

مروری بر جایگاه محیط‌زیست در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه در ایران

# قانون داریم اجرا نداریم

برنامه توسعه جاری رسماً نخستین برنامه‌ای است که اصطلاح تغییر اقلیم را به طور جدی وارد ادبیات برنامه‌ریزی کرده و در شاخص‌هایی مانند ظرفیت یادگیری و واکنش خودسازگارانه، امتیاز مثبت کسب کرده است.

گفت‌وگو با «هادی آفریده» درباره ساخت مستند در موشک‌باران و مشکلات مستندسازی از جنگ و میراث فرهنگی

آنچه در جنگ از دست می‌رود، همیشه در آمارها و خسارت‌های جانی و مالی نمایان نمی‌شود. بعضی چیزها سال‌ها بعد خود را نشان می‌دهد؛ مثلاً وقتی می‌خواهیم به گذشته برگردیم و ببینیم در جنگ چه بر سر یک شهر، یک جامعه یا یک بنای تاریخی آمده است

۵۰۴



بازی مجبورانه سرنوشت پر حاشیه پخش فوتبال در سال در سالن‌های سینما

## وقتی بدن زن میدان جنگ جمعیتی می‌شود

۲

### آوارگان گرمایش زمین در فهرست ممنوعه

در حالی که فجایع تشدید شده توسط تغییر اقلیم سراسر جهان را ویران می‌کنند دولت ترامپ هم می‌خواهد برنامه‌های کمک‌رسانی را متوقف کند و هم راه پناه بردن افراد آسیب دیده به آمریکا را ببندد

۳

### بحران اقلیم مهاجرت و دیوارهای بلندتر آمریکا

قربانیان تغییر اقلیم هنوز در قوانین پناهندگی به رسمیت شناخته نمی‌شوند

۳

### بی‌پناه زیر بار بیماری

«پیام ما» از سختی مراقبت از کودکان اوتیستیک روایت می‌کند

۲

### امید زنانه و ضرورت دقت در اجرای عدالت کیفری

۷

دیدگاه

## حذف ارز ترجیحی؛ مسئله‌ای بزرگ‌تر از یک نرخ ارز

این ظرفیت بلااستفاده بماند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی فقط تولید نیست؛ بلکه تقاضای مؤثر و توان خرید مصرف‌کننده نیز به همان اندازه اهمیت دارد. به بیان دیگر اقتصاد ایران در وضعیتی قرار گرفته که هم تولیدکننده تحت فشار است و هم مصرف‌کننده. تولیدکننده با افزایش هزینه‌ها، کمبود نقدینگی و دشواری‌های تأمین مالی روبرو است و مصرف‌کننده نیز با کاهش قدرت خرید و کوچک‌تر شدن سبد غذایی خود مواجه شده است. در چنین شرایطی، نه تولیدکننده احساس برنده بودن دارد و نه مصرف‌کننده. از همین رو، ارزیابی موفقیت یا شکست حذف ارز ترجیحی نباید صرفاً بر مبنای تغییر قیمت نهاده‌ها انجام شود. برپس اصلی این است که آیا هم‌زمان با این اصلاح، زیرساخت‌های لازم برای دوره پس از آن نیز فراهم شده‌اند یا خیر. توسعه تأمین مالی زنجیره‌ای، خرید اعتباری نهاده، قراردادهای بلندمدت، نظام رصد موجودی و قیمت، حمایت هدفمند از مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر، افزایش بهره‌وری در واحدهای تولیدی و کاهش هزینه‌های میادله در زنجیره‌های تأمین، همگی اجزایی هستند که باید در کنار اصلاحات ارزی مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، مسئله امروز کشاورزی، دامپروری و آبریزی پروری ایران نه صرفاً «حذف یا حفظ ارز ترجیحی»، بلکه چگونگی ایجاد تعادل میان تولیدکننده و مصرف‌کننده در یک اقتصاد توری و پرنوسان است. حذف ارز ترجیحی شاید یک جراحی اقتصادی بوده باشد، اما تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که این جراحی بدون بازطراحی زنجیره‌ها، شفاف‌سازی جریان کالا، پول و اطلاعات، و تمرکز بر شفاف‌سازی خنثی، به نتایجی قادر به درمان بیماری‌های مزمن بخش تولید و امنیت غذایی کشور نخواهد بود.

پرویش دهند آبروی فقط یک حلقه از زنجیره‌های پیچیده است که از تأمین نهاده آغاز می‌شود و تا فرآوری، حمل‌ونقل، توزیع، خرده‌فروشی و مصرف ادامه می‌یابد. بنابراین واحدهای اصلی سیاست‌گذاری نباید صرفاً بنگاه منفرد باشد، بلکه باید کل زنجیره تأمین و ارزش باشد. تا زمانی که کالا، پول و اطلاعات در زنجیره شفاف نباشد، سیاست‌گذار نمی‌تواند بفهمد فشار واقعی کجاست. ممکن است نهاده گران شده باشد، اما سود یا زیان در حلقه دیگری انباشته شود. ممکن است تولیدکننده تحت فشار باشد، اما مصرف‌کننده نیز قیمت بسیار بالاتری بپردازد. ممکن است کالا در زنجیره حرکت کند، اما پول با تأخیر و نابرابر باگردد. ممکن است اطلاعات تولید، موجودی، تقاضا، قیمت و ریسک اصلاً به موقع در اختیار تصمیم‌گیران نباشد. در چنین وضعیتی، مسئله اصلی فقط قیمت نیست؛ مسئله، کوری زنجیره است. وقتی جریان کالا، جریان پول و جریان اطلاعات دیده نمی‌شود، گلوگاه‌ها پنهان می‌مانند. گاهی گلوگاه در تأمین نهاده است، گاهی در سرمایه در گردش، گاهی در توزیع، گاهی در قدرت خرید مصرف‌کننده و گاهی در نبود اعتماد میان حلقه‌های زنجیره. سیاستی که این گلوگاه‌ها را تشخیص ندهد، ممکن است با نیت حمایت از تولید، فشار را از حلقه‌ای به حلقه دیگر منتقل کند. از سوی دیگر، تمرکز صرف بر هزینه تولید، ما را از مسئله‌ای مهم‌تر غافل می‌کند. ایران در بسیاری از محصولات کشاورزی، دامی و غذایی با کمبود ظرفیت تولید مواجه نیست. در بخش‌هایی مانند لبنیات، مرغ، تخم‌مرغ و برخی محصولات کشاورزی، ظرفیت تولید حتی از میزان مصرف داخلی فراتر رفته است. با این حال، کاهش قدرت خرید خانوارها باعث شده است که بخش قابل توجهی از

شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر در نظر دارد مجدداً از طریق مناقصه عمومی نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط **تأمین، نصب و راه اندازی تجهیزات دیتا سنتر** در محل کارخانه سیرجان اقدام نماید. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سایت اینترنتی شرکت به آدرس [WWW.GISDCO.COM](http://WWW.GISDCO.COM)، بخش مزایده‌ها و مناقصه‌ها مراجعه نمایند. - نشانی محل تحویل مدارک: ۱- دفتر کارخانه: سیرجان، کیلومتر ۵ جاده شیراز، کیلومتر ۵ جاده اختصاصی، شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر، دیرخانه کمیسیون معاملات - تلفن: ۳۱۲۹۴۰۷۶ - ۳۴۴. ۲- دفتر تهران: به آدرس، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم غربی، پلاک ۲۲، کد پستی ۱۵۱۶۶۴۱۱ - تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۹۷۶۷۰۴ تا ۰۲۱-۸۸۱۹۹۴۰۳. - مناقصه حاضر به صورت یک مرحله‌ای بوده، لذا مناقصه‌گران می‌بایست پاکت "الف"، "ب" و "ج" را شامل ضمانت‌نامه، پیشنهاد فنی و مالی در زمان و محل مقرر تحویل نمایند. - جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۳۴۴۳۱۲۹۴۰۷۶ و یا شماره تلفن ۰۹۱۳۱۷۸۷۰۴۷۶ بنام آقای حیدری نسب در روزهای شنبه ای چهارشنبه در ساعات اداری تماس حاصل فرمایید. - بازدید از سایت محل پروژه الزامی نمیباشد اما در صورت تمایل به بازدید جهت هماهنگی با آقای حیدری نسب با شماره فوق تماس حاصل فرمایید. همچنین پاسخ سوالات فنی مناقصه‌گران که از طریق فرم TCL موجود در اسناد فنی منضم به آدرس ایمیل [heidari@gisdc.co.ir](mailto:heidari@gisdc.co.ir) ارسال شده، در سایت بارگذاری خواهد شد. - آخرین مهلت ارسال مدارک: ۱۴۰۵/۰۴/۱۳

یادداشت

## قدرت نرم در سکوهای ورزش

کشور باید آنچه به سر ورزش کشور می‌آید نیز محاسبه شود. قدرت تنها در موشک و بمب اتم خلاصه نمی‌شود. اگر چنین بود، می‌بایست کره شمالی را کشوری مهم و تأثیرگذار در نظر بگیریم. مثال عیان‌تر آن پاکستان و کره جنوبی است؛ اولی اتمی و موشکی و توسعه‌نیافته، دومی فاقد موشک و اتم اما توسعه‌یافته، با ورزشی قدرتمند و مدعی گوناگون، قطعاً سیاسی بوده، هست نتیجه آنکه ورزش برخلاف شعارهای زیبا و گوناگون، قطعاً زمینه‌ها. و خواهد بود و ملاحظات کشورها در آن نقشی پررنگ ایفا خواهد کرد. اگر نبود، آن را تحریم نمی‌کردند. اگر نبود، ابزار قدرت‌نمایی بلوک شرق و غرب نمی‌شد. اگر نبود، آمریکای غیرفوتبالی به آن دل بسته نمی‌شد و چین بی‌استعداد در این زمینه میلیون‌ها دلار خرج نمی‌کرد و عربستان برایش ابرپروژه‌های بلندمدت تعریف نمی‌کرد و قطر به واسطه دریافت میزبانی رشوه نمی‌داد و... ورزش هم باید ایجاد ارتباط کند، هم کدورت‌ها را کم‌رنگ و هم سرمایه جذب کند. ایجاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ورزش روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شود و به نظر ما از این غافله شدیداً جا مانده‌ایم. اگر می‌خواهیم به اصطلاح دشمنان خود را مقهور سازیم، باید ورزشکاران را آماده به میدان بفرستیم، نه اینکه با رسمیت شناختن و نشناختن کشورها، مدال‌ها را دودستی تقدیم رقبا کنیم. میدان ورزش هم همانند سایر میدان‌های قدرت، بی‌رحم است و قوانین خاص خود را طلب می‌کند. نه می‌توانیم از آن بگریزیم و نه می‌توانیم بدون تدبیر وارد آن شویم. باید راه‌راه کره شمالی منزوی و مضحکه را در پیش گیریم یا باید همچون قطر هوشمندانه اسب خود را زمین کنیم و در این عرصه بتازیم. باید شرایط برای حضور شجاعانه و هوشمندانه ورزشکاران در میدان فراهم شود؛ آنها به تنهایی می‌توانند انسجام از دست‌رفته ما را نیز دوباره برگردانند. ورزش حداقل باید در داخل فرآینحی گریخته شود. ورزش امروز در ایران با چالش‌های بسیاری مواجه است. نیاز به بازسازی زیرساخت‌های ویران، مدیریت اصولی و دموکراتیک جدید و احیای دوباره دارد. اینکه ورزش ما با این حجم فشار و نارضایتی و انتقاد می‌تواند بدرخشد، قسمت پر لیوان است، اما این حجم در مقایسه با نتیجه‌های لیوان ناچیز است. در نهایت، سیاست باید در کنار ورزش و ورزش کاتالیزور سیاست باشد؛ تقریباً نقشی مشابه آنچه در دوران جنگ سرد ایفا می‌کرد. این عرصه قدرت را باید بسیار جدی گرفت و با نگاهی توسعه‌گرا به استقبالش رفت، چون هم در زمینه ورزش همگانی و هم ورزش قهرمانی نیاز به توجه و نگاهی استراتژیک و درازمدت داریم.

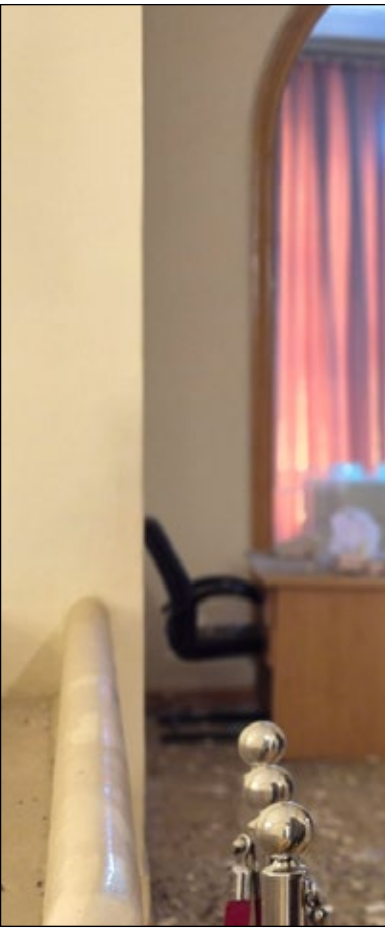
بسیاری از قوانین، چه بخواهیم چه نخواهیم، از همان ابتدا با وضع شدنشان شکسته می‌شوند؛ از جمله این قانون نوشته و ناتوانسته که «ورزش غیرسیاسی است». اصلاً ماهیت ورزش و مسابقات ورزشی از ابتدا سیاسی بوده است و هدف آن این بوده که میدان رقابتی جدیدی ایجاد شود تا به جای کشت و کشتار انسان‌ها، کشورها در این عرصه بی‌خطر رورزمایی، اعلام موجودیت و اعلام برتری کنند. لذا اینکه ما با نیت سیاسی وارد عرصه بزرگی همچون جام جهانی فوتبال شویم و در عین حال بخواهیم این میدان را بر روی مخالفان داخلی و خارجی خود ببندیم، خیال باطلی است. اینکه من به این میدان وارد شوم و انتظار رفتاری منصفانه داشته باشم نیز خیالی ساده‌لوحانه است. مسئولان ورزش کشور بارها بیان کرده‌اند که در روند صدور ویزا و اقامت در کشور آمریکا کارشکنی شده است. سؤال این است که مگر جز این را طلب می‌کردید؟ این ورزش زمانی می‌توانست نقش دیپلماسی و نزدیکی دو کشور ایران و آمریکا را ایفا کند که دو کشور به مرحله ویرانگر نهایی وارد نشده باشند. همان‌طور که شاهد بودیم، در دوره‌های قبل، به‌ویژه در زمان اصلاحات، کشتی و فوتبال به‌ویژه در این زمینه شرایطی را فراهم کردند که باطبع از آنها استفاده مناسبی نشد. بنابراین در دوران پرحادثه و مخرب اخیر نیز نباید هیچ‌گونه توقعی از بی‌طرفی یکی از برگزارکنندگان جام جهانی داشته باشیم. شاید دلیل این بی‌تدبیری، دست‌کم گرفتن عرصه‌های دیگر دیپلماسی و بهتر بگویم، قدرت در عرصه بین‌المللی است. دیپلماسی ورزش امروزه کاری می‌کند که شاید هیچ توپ و تانکی نتواند به گرد آن برسد. نمونه واضح و مبرهن آن روسیه است. در حال حاضر این کشور به‌خاطر تجاوز به خاک اوکراین از بسیاری از مسابقات مهم بین‌المللی همچون جام جهانی و المپیک محروم است و حق برافراشتن پرچمش را ندارد. این به معنای از دست دادن سرمایه عظیم اجتماعی و انسانی است که به‌واسطه آن در این کشور ایجاد شده و تا زمانی نامعلوم ادامه خواهد داشت. مطلب اصلی این یادداشت این است که در محاسبات آتی سرنوشت

آگهی مناقصه عمومی  
شماره ۱۹ / م ع / ۵۵ (نوبت اول)  
شرکت همیار گهر جدید سیرجان در نظر دارد "خرید روغن موتور مورد نیاز ماشین‌آلات معدنی شرکت همیار گهر جدید سیرجان" (مطابق مشخصات فنی پیوست اسناد) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد صلاحیت و گذار نماید؛ لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت [WWW.GOHARHAD.CO](http://WWW.GOHARHAD.CO) بخش فراخوان - مناقصه مراجعه فرمایند.  
آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۹ در محل دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر جدید سیرجان می‌باشد. شرکت همیار گهر جدید سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد. ضمناً لازم به ذکر است مناقصه‌گران می‌بایست اسناد خود را در پاکات مخصوصی که از دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر جدید سیرجان دریافت می‌نمایند به صورت مهرموم شده تحویل دهند. هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن‌های ۰۳۴۴۱۵۲۶۰۰۰ داخلی ۸۰۳۹ تماس حاصل فرمایید.  
دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر جدید سیرجان









این کتاب‌ها مخاطب محدودی دارند. این‌ها کار دولت است، بودجه فرهنگی باید اینجا صرف شود. به جای اینکه بنر بزیند و بگویند حافظ میراث فرهنگی باشید، کتاب ارزان دربارهٔ میراث فرهنگی منتشر کنند که در دسترس همه مردم باشد.

**❷ سال گذشته سال پرچاندته‌ای برای آقای بود و می‌شود گفت بزنگاه تاریخی بزرگی را سپری کردیم، ارزیابی‌تان از وضعیت ساخت فیلم مستند در یک سال گذشته، به‌ویژه در حوزه میراث فرهنگی چیست؟**

من اخیراً داور پویش «وطن به روایت من» بودم که انجمن سینمای جوان برگزار کرد. در همین دوره کوتاه بعد از جنگ، در سراسر ایران، افراد به شکل مستقل یا وابسته به نهاد‌ها تعداد زیادی فیلم تجربی ساخته و برای پویش فرستاده بودند. دوه سه فیلم خیلی شاخص در میان حدود صد فیلم ارسالی دیدم، اما حجم انبوهی از فیلم‌ها ظاهراً توسط همان کسانی ساخته شده بود که به‌راحتی مجوز ساخت فیلم گرفته بودند. متأسفانه این افراد، با اینکه دسترسی‌های فوق‌العاده نامحدود داشتند، حتی یک فریم اثر قابل توجه تولید نکرده بودند. نه اینکه نخواهند، نمی‌توانند. همان‌طور که من هم نمی‌توانم بروم در یک بیمارستان پیوند کلیه انجام دهم؛ چون کار من نیست و دانشش را ندارم. آن‌ها هم نمی‌توانند فیلم مستند بسازند، چون تجربه و دانشش را ندارند. حتی افراد مورد تأیید ارگان‌ها و نهادهایی که اجازه دارند کار کنند هم در کارشان موفق نیستند، چون اغلب متخصص نیستند. تخصص از تجربه، علاقه و ممارست می‌آید. این کار آزادمان‌هایی برمی‌آید که ریشه‌ای در آن کار داشته باشند. یک ایدئولوژی نمی‌تواند در هر کاری تخصص داشته باشد.

ما در موقعیتی گیر افتادیم که به خاطر سیاست‌های کاملاً غلط و توهمی از توطئه، نمی‌توانیم کار حرفه‌ای انجام دهیم. یک بدبینی نسبت به آدم‌هایی وجود دارد که در ایران مانده‌اند و تصمیم گرفته‌اند بمانند و کار خودشان راکنند. من می‌خواهم کار خودم و وظیفه حرفه‌ای خودم را انجام دهم، کاری هم یا جریان‌های تند این طرف و آن طرف ندارم. حتی نمی‌خواهم از این بدبینی شعاری بزنم که اخلاقیات، وظیفه انسانی، دین من…، من! من می‌خواهم وظیفه حرفه‌ای و کاری را که در آن تخصص دارم و بلدم، برای چیزی که به آن اعتقاد دارم و دوستش دارم انجام دهم. متأسفانه رویکردی که در کشور ما وجود دارد، نگاه امنیتی به مستند و مستندسازی است.

**❸ این نگاه امنیتی چه تبعاتی به دنبال دارد؟ روزگاری آقای پرویز کیمیایی از کاوش تپه‌های قطبریه یک مستند ساختند. از این تپه‌ها امروز چیزی نمانده، اما مستند آقای کیمیایی مانده است. در سال‌های اخیر نمونه‌های معدودی از این دست فیلم‌ها ساخته شده، فکر می‌کنید دلپیش همین نگاه امنیتی است؟**

اگر مستند آقای کیمیایی واسناد دیگر از تپه‌های قطبریه نبود، شهرداری تهران می‌توانست به بیانه ساخت‌وسازهای خودش، هر کاری دلش می‌خواست با آن منطقه باستانی انجام دهد. من متأسفم که این را می‌گویم، اما ما خیلی دیر به همه چیز می‌رسیم، همه چیز را دیر باور می‌کنیم، اگر هم بپذیریم، با دادن هزینه‌های سنگین می‌پذیریم. بابت هر چیز باید هزینه‌های سنگین بدهیم و در نهایت تسلیم شویم. در مورد میراث هم همین رویکرد وجود دارد. نمی‌دانند مستندسازی چقدر برای میراث فرهنگی اهمیت دارد.

بعد از جنگ جهانی دوم، پول‌های کلانی برای ساخت‌وساز کشورهای آسیب‌دیده اختصاص پیدا کرد. اما با این پول‌ها کلیسا و بیمارستان نساختند؛ در درجه اول، به عنوان مثال در اتریش، بزرگ‌ترین اپرای وین ساخته شد. در بحبوحه جنگ، مهم‌ترین فیلمسازها مثل آلن رنه چه فیلم‌هایی ساختند؟ فیلم‌هایی از وقایع تلخ جنگ. چرا؟ برای اینکه حافظه تاریخی همیشه زنده بماند. چرا زنده بماند؟ برای اینکه بعد از جنگ یاد مردم بماند چه چیزی را از دست دادند و برای چه چیزی ایستادند. یک مستند شاخص درباره جنگ جهانی دوم ساخته شده به نام «مردی که لوور را نجات داد». این فیلم دربارهٔ مردمی است که تلاش می‌کنند آثار لوور را نجات دهند؛ کشاورزان، راننده‌های کامیون و لوودروافراد معمولی که اشیای موزه لوور را می‌برند و در خانه‌هایشان مخفی می‌کنند تا به دست آلمان نازی نیفتند. ما می‌توانیم با دیدن این مستند بفهمیم که چرا مردم این‌قدر برای لوور احترام قائل‌اند.

تخریب میراث فرهنگی غیرقابل بازگشت است. مگر میراث فرهنگی‌ای که در افغانستان نابود شد را توانستند دوباره بسازند؟ مگر میراث فرهنگی‌ای که در عراق نابود شد را دوباره ساختند؟ مگر در سوریه، وقتی داعش آثار تاریخی را تخریب کرد، دوباره ساختند؟ اصلاً مگر می‌شود میراث فرهنگی را بازتولید کرد؟ اصلاً نشدنی است. شاید یک جنگل بسوزد و صد سال، دویست سال طول بکشد تا تپه سبزی روی خاکستر آن جنگل رشد کند؛ اما آیا می‌شود بگویم اگر تخت جمشید از بین برود، دوباره تخت جمشید را می‌سازیم؟ تخریب‌های گسترده‌ای الان در کاخ گلستان اتفاق افتاده، خیلی دردآور است. میراث صددرصدی هم اگر انجام شود، نمی‌دانیم آیا آن اصالت برمی‌گردد یا نه. گاهی به من می‌گویند خرابی یک‌سری می‌گویم ریشه‌های هویتی و تمدنی ما به همین اصالت است. همین راهم اگر از ما بگیرند، ما دیگر هیچ چیزی نداریم.

**❹ شما در جنگ سال گذشته هم در حال ساخت مستندی درباره جنگ و میراث فرهنگی بودید. درباره ایده این مستند و مراحل کل کار کردید بگویید.**

من ایده ساخت یک مستند در رابطه با جنگ‌هایی را داشتم که ایران در طول تاریخ از آن‌ها عبور کرده است؛ چه پیروز و چه مغلوب، چه جنگی که باعث گسترش مرزها شده و چه جنگ‌هایی که باعث از دست دادن مرزهایش شده است. مستند برمی‌گشت به ابتدای تاریخ مکتوب ما، نخستین جنگ‌هایی که کشور ما از دوران باستان تاکنون متحمل شده است. بعد از جنگ دوازده‌روزه تصمیم داشتم این مستند را شروع کنم. اما متأسفانه با توجه به اینکه مراحل کسب مجوز خیلی پیچیده و سخت‌وسخت بود، موفق نشدم مجوز بگیرم. آن حد از آزادی‌ای که من نیاز داشتم را در یک محیط کاملاً غیرنظامی و غیرامنیتی به من ندادند. نه محیط نظامی بود، نه امنیتی؛ یک موزه بود. موزه‌ای که در فاصله چند فرسنگی‌اش هم هیچ اتفاقی نینشاده بود. اما چرا؟

**❺ دلایل این ممانعت چه بود؟**
گاهی بی‌اخلاقی‌هایی حاکم است. اگر مکان و لوکیشنی ورود ممنوع است، باید برای همه ورود ممنوع باشد. اما برای یک عده، نه‌تنها ممنوعیتی وجود ندارد که حتی فراتر از خط قرمزها، درها برایشان باز می‌شود. آن عده اتفاقاً آدم‌های با تجربه‌ای هم نیستند و از این فرصت‌ها برای ساخت یک اثر قابل قبول

استفاده نمی‌کنند. زلنت و روابطی دارند در حد معاونت وزیر و وزیر که برایشان این درها باز می‌شود؛ آدم‌هایی اغلب ناگاه، اما خب فعلاً چرخ روزگار بروق مراد آن‌ها می‌چرخد.

در جنگ چهل‌روزه فکر کردم با هم شانس ما امتحان کنم. این بار متأسفانه وسعت حملاتی که به کشور شد، خیلی وسیع‌تر بود. در کنار جان‌هایی که از دست رفت، خیلی از مراکز تاریخی و میراث فرهنگی و زیرساخت‌های شهری هم نابود شد. ولی من تمرکز کم باز هم روی میراث فرهنگی بود. مطمئن بودم در مورد زیرساخت‌های صنعتی و سرمایه‌های انسانی، رسانه‌های داخلی و جهانی صحبت خواهند کرد. اما در کشور ما، مسائل فرهنگی و میراث فرهنگی و تمدنی همیشه آخرین واکن است؛ در همه جا، چه اختصاص بودجه باشد و چه صحبت کردن در رسانه‌ها. این موضوع همیشه اولویت آخر است.

**❻ این نکته مهمی است که اشاره کردید؛ اینکه در جنگ شما باز هم به میراث فرهنگی فکر کردید. یک نقد همیشه به کسانی که دغدغه میراث فرهنگی دارند مطرح می‌شود که در جنگ یا حادثه‌ای مثل زلزله، وقتی آدم‌ها دارند آسیب می‌بینند، موضوع میراث فرهنگی خیلی اهمیت ندارد. شما با این نقد مواجه شدید؟**

به شکل مستقیم نه، اما غیرمستقیم وقتی همکاری‌ای اتفاق نمی‌افتد، معنی‌اش همین است که شما می‌گویید. یعنی حتماً لازم نیست این را خیلی غلنی بگویند، اما عملکرد، این را نشان می‌دهد. البته طبیعی هم هست. من اگر در سایت میراث فرهنگی باشم و در کنار یک ساختمان دچار حادثه شده باشم و آدم‌ها کمک بخواهند، قطعاً من هم می‌روم به کمک آدم‌ها. من به خاطر حوادث تلخی که برای اطرافیانم و برای آموزشگاه موسیقی بردم که در جنگ کاملاً ویران شد، اتفاق افتاد، متأسفانه خیلی نزدیک به این وقایع بودم. می‌دیدم که نیروهای آتش‌نشانی و هلال احمر چقدر… حتی گاهی بدون تجهیزات مناسب و لباس ایمنی لازم - برای نجات جان آدم‌ها تلاش می‌کنند. اما به همان اندازه، وقتی در مورد ایران و میراث ملی ایران صحبت می‌کنیم، در مواردی شاید بشود گفت اگر بیشتر از آدم‌ها زلزلمند نباشیم، کمتر هم نیست. اصلاً اگر ایران بعد از سده‌ها جنگ و حمله و غارت و تجاوز هنوز ایران مانده، به دلیل حفظ همین تنوع فرهنگی، اصالت اقوام و آثار تاریخی است که باقی مانده است.

**❼ در ساخت مستندی که به آن اشاره شد، با چه چالش‌هایی در آن روزها و فضایی که همه می‌دانیم روبرو شدید؟**

چند روزی با سختی‌های بسیار و بیچیدگی‌های عجیب‌وغریب برای مجوزها، توانستم فیلمبرداری کنم. البته مرکز گسترش سینمای مستند و تفسری و میراث فرهنگی یک‌سری معرفی‌نامه به ما دادند. یک‌سری نامه هم ارشاد به ما داد که مرکز سینمایی ناجا ارائه کنیم برای دریافت مجوز. اما اصلاً مرکز سینمایی ناچاطعیل بود. من بیست سال است در ایران فیلم مستند می‌سازم، عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی مستندسازان خانه سینمای بودم، در تمام جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی یا داور بودم یا فیلم منتخ جشنواره بوده یا در شورایاهای جشنواره عضو بودام. البته اصلاً این عناوین مهم نیست؛ می‌خواهم بگویم با این سابقه و کارنامه، من نمی‌توانم یک مجوز بگیرم. و با مجوزی که یکی از دوستان داشت - و نه مجوزی که به واس خودم باشد. توانستم بخشی از کار را پیش ببریم. یعنی خیلی جای‌ها کار می‌کنم.

ما در روزهای جنگ کار را شروع کردیم؛ زمانی که خیلی از مدیران فرهنگی و سینمایی از تهران به جای امنی رفته بودند. من و فیلمبردار هم در تهران بودیم تا بتوانیم یک روزهایی کار کنیم. در مشهد مباران، در سایندها و مناطقی که نزدیک ما انفجارهای شدید اتفاق افتاد، توانستیم بخشی از اتفاقات را ثبت کنیم. شرایط پیچیده‌ای بود. در چند لوکیشن مثل کاخ سعدآباد و کاخ گلستان و در اصفهان، سایت‌هایی که در دولتخانه صفوی بود، مثل چهلستون و عالی‌قاپو و عمارت کعب‌خانه و بناهای جنب استاندارد و هر چایی که مرکز میراثی دچار آسیب شده بود، فیلمبرداری کردم. در واقع این‌ها سکانسی از یک فیلم است که بخشی از آن قرار است به جنگ اخیر بریزد. یک سکانس خیلی مهم است برای من، چون در حال روایت دوران معاصر است. اما مهم‌ترین مشکلی که وجود دارد این

است که کار دست آدم‌های اصلی نیست و این تبعات بسیار گسترده‌ای دارد.

**❸ شما سراغ وزارت میراث فرهنگی برای ساخت مستندهایتان رفتید. چه رویکرد و نگاهی به موضوع مستندسازی، به‌ویژه در دوران جنگ، داشتند؟**

وزارت میراث فرهنگی مهم‌ترین عامل بازآزنده برای ساخت فیلم مستند درباره میراث فرهنگی است. جالب است که در جنبش‌ها و بزنامه‌ها و رویدادهایشان، هر کجا نیاز دارند با ما تماس می‌گیرند. همیشه به آن‌ها می‌گویم چرا آن زمانی که من می‌خواهم کار کنم، نمی‌گذاردید؟ چرا مانع می‌شوید؟ من که پروژه برای ثبت جهانی قنات‌ها کار کردم، پروژه ثبت جهانی باغات را کار کردم، پروژه درباره مرمت آثار تاریخی کار کردم. فیلم مستند «صف سالم» را که راجع به مرمت نقاشی صف سلام کاخ نگارستان بود، در چهار سال ساختم- پروژه‌ای که قرار بود آقای کیارستمی بزرگ بسازد، اما متأسفانه به دلیل بیماری‌شان این اتفاق نیفتاد- یا همین پروژه ارس، مکان‌های میراث تاریخی و تمدنی در این فیلم معرفی شده‌است. من با این تجربیات، چرا وقتی قصد ساخت مستند در شرایطی مثل جنگ را دارم، باید خودم رابه این مجموعه ثابت‌کنم؟ اصلاً میراث فرهنگی باید به سراغ من بیاید که درباره میراث فرهنگی در جنگ مستند بسازم. نمی‌آید؟ من می‌آیم به سراغ آن‌ها، اما باز هم آثار و سنگ‌اندازی می‌کنند. یک تجربه بگویم درباره اینکه چقدر رفتار غیرحرفه‌ای آسیب‌زااست. در دوره اول جشنواره چندرسانه‌ای میراث فرهنگی، فیلم «کازیر» قصه آب» جایزه اول را گرفت. مالکیت این فیلم متعلق به من بود، نه به وزارت میراث. آن سال هزینه تولید ما بیش از صد میلیون تومان شده بود و قرار بود این فیلم را روی VODها نمایش دهیم. وزارت میراث، فیلم را بدون اجازه من نکته‌نگر کرده و در آپارات و یوتیوب و شبکه میراث آریا منتشر کرد. این یک مثال است که نه‌تنها به ما کمک نکردند که ضرر مالی بزرگی هم به ما زدند. البته آقای ضرغامی نامه داد که خسارت ما پرداخت شود، ولی چند ماه دگریم بودم تا بتوانم این خسارتی را که به من وتیعم زده شده بود بگیرم.

من برای این مستند دوران جنگ، بارها جدل تلفنی با مسئولان میراث فرهنگی داشتم. وقتی من درباره ضرورت مستندکردن وقایع و تخریب آثار می‌گویم، به من می‌گویند: «ما همکاری با دوربینی موبایلش!» مدیر عالی‌رتبه یک بخش در میراث فرهنگی تقافت مستندسازی و فیلم مستند، مستندسازی علمی و تخصصی و پژوهشی را نمی‌داند. تفاوت مستندسازی‌ای را که برای گزارش و بیان کار به مدیرش می‌دهد، با کار من مستندساز نمی‌داند. در ایران، با این‌همه میراث تاریخی و تمدنی و ملی و جهانی، متفاوتی نمی‌دانند فیلم مستندی که هادی آفریده می‌سازد. چه تفاوتی با فیلمی داریم که کارمند موزه با موبایلش گرفته است. وقتی نمی‌دانند، من باید چه چیزی را ثابت‌کنم؟ و اتفاقاً خسته شده‌ام.

وقتی رفتار مدیرانی که در این حوزه مسئول و تصمیم‌گیرنده هستند کاملاً سیاسی و کاسبکارانه است، چه کار می‌شود کرد؟ یکی از این مدیران به من می‌گفت: «شما می‌خواهید این فیلم را بسازید، بروید جایزه‌اش را بگیرید.» ببینید چه ذهنیتی دارد. من در تهران زیر بمباران ایستادم، بدون ریالی بودجه دولتی، برای اینکه برایم مهم بود که وقایع را ثبت کنم. همین الان برای روزهای فیلمبرداری در جنگ، ۱۰۰ میلیون تومان بدهی دارم و تا همین امروز فیلم من هیچ سرمایه‌گذاری به شکل قطعی ندارد. من آن روزها این‌طور داشتم کار می‌کردم. کسی که می‌توانست با یک تلفن درها را بر روی من باز کند، می‌گفت: «شما می‌خواهید بروید جایزه بگیرید.» من باید در این کشور چه کار کنم؟ من با یک مشت آدم کاسبکار طرفم. یک سیاستی وجود دارد که می‌خواهند همه چیز مال خودشان باشد. مسئله فقط مالی هم نیست، مسئله فرصت‌هاست. چون من هیچ‌وقت در زندگی‌ام از میراث فرهنگی ریالی پول خواستم و نخواهم خواستم. من هیچ‌وقت آدمشان نبودم. آدم هیچ‌کس نبودم. آدم خودم بودم.

**❹ شرایط جنگ خیلی متفاوت بود. انگار آدم بیشتر دلش می‌سوزد از این همکاری نکردن، چون فرصتی نبود که بشود از دست‌ها داد.**

در لحظه‌ای که من باید در لوکیشن‌ها و مکان‌های آسیب‌دیده

می‌بودم، دگریم مجوز و دعوا کردن با آدم‌هایی بودم که من را دو دهه است می‌شناسند. هم‌زمان در کنار من آدم‌هایی بودند که ربطی به سیستم فرهنگی نداشتند و مورد توجه و حمایت جاهای خاص و ویژه بودند. تجربه‌ای نداشتند، اما به‌راحتی می‌رفتند و می‌آمدند. مطمئنم که با تمام این دسترسی‌ها خروجی قابل توجه هم ندارند. اگر داشتند ناراحت نمی‌شدم. میراث فرهنگی متعلق به همه مردم ایران است. هر کسی برای این میراث کاری می‌کند، دمش گرم. اما من در پویش «وطن به روایت من» دیدم که هیچ‌کس کاری نکرده است. این نشان می‌دهد که آدم‌های واقعی و متخصص سر جایشان نیستند؛ آدم‌هایی که از آن‌ها هیچ سرمایه و حمایت مالی نمی‌خواهیم، فقط توقع داریم کارشان را در جای درست و در لحظه درست انجام دهند.

من خیلی متأسفم که این را می‌گویم که ما در دوره معاصر و به‌ویژه در جنگ اخیر نسبت به جنگ ایران و عراق، با اینکه تکنولوژی دیجیتال و دوربین‌های مجهزتر و ارزان‌تر و مستندسازان بیشتری داشتیم، فیلم‌های مستند حرفه‌ای که توسط فیلمسازهای حرفه‌ای ساخته شود، خیلی کمتر داریم. جرابنی که در جنگ ایران و عراق در تلویزیون به اسم «روایت فتح» شکل گرفت، تیمی از افراد متخصص و فیلمبرداران شجاع داشت که با تخصص و تجربه‌شان می‌رفتند فیلمبرداری می‌کردند و آوینی آن را در قالب روایت فتح ارائه می‌کرد. آن زمان دوره حرفه‌ای‌ها بود. ولی الان دوره حرفه‌ای‌ها نیست. آدم‌های حرفه‌ای الان اصلاً اجازه کار ندارند. پس روایت‌هایی که از این دوره می‌مانند، سلخته، غیرحرفه‌ای و جهت‌دار هستند که بعداً نمی‌شود به آن‌ها استناد کرد.

در مورد میراث هم همین است. فریادی که می‌زدم و عمیابینتی که داشتم این بود که چرا کار ما را نمی‌دهید و کمک نمی‌کنید؟ شما به این فیلم‌ها نیاز دارید. فردا در دادگاه لاهه و دادگاه بین‌المللی، در یونسکو، شما به روایت مستندسازی بی‌طرف نیاز دارید، به روایت حرفه‌ای نیاز دارید، به روایتی نیاز دارید که توسط یک مستندساز که کارمند کار گلستان نیست، ساخته شده باشد. رقیفانثان را می‌آورید، از در و دیوار فیلم می‌گیرند، این رقیاف شما اول فیلم ساخته‌اند مجیز شما را گفته‌اند. این فیلم‌ها نمی‌تواند سند این روزها برای تاریخ باشد. نمی‌تواند بعداً در دادگاه بین‌المللی کاری برای شما کند. شما نیاز به آدمی داشتید که نه آدم دولت باشد، نه آدم خارجی‌ها، آدم خودس باشد، به یک هنرمند مستقل نیاز داشتید. به یک فیلمساز هنرمند. باید اجازه می‌دادید این هنرمند روایت مستقل خودش را نقل کند. شما هم روایت خود را برای مدیران بالاسری می‌ساختید، چون می‌دانم که به آن نیاز دارید. درک می‌کنم. اما کشور به کار من بیشتر نیاز دارد. شما منافع شخصی خودتان را بر منافع ملی ارجح دانستید.

فکر می‌کنم تا الان فیلم‌های خوب و ریشه‌داری ساخته نشده باشد؛ مگر اینکه از جایی به بعد تغییر سیاست بدهند، درها را باز کنند و حمایت کنند. و در درجه اول این حمایت معنوی باشد؛ به این معنا که مزاحم ما نشوند. این کشور کشور غنی‌ای است و نمی‌توان قبول کرد که منابع مالی در آن وجود ندارد، چون می‌بینیم که به شکل‌های مختلف برای کارهای دیگر و تبلیغات جنگ هزینه می‌شود. بخشی از آن بودجه هم باید به تولید مستندهای حرفه‌ای از این روزها اختصاص داده شود. این‌ها می‌مانند. فردا روزی این‌ها می‌شود سند ایستادگی مردم ایران. سند میراث تاریخی و تمدنی مردم ایران.

**❹ ما چقدر برای حفظ حافظه تاریخی‌مان از این روزها به مستند نیاز داریم؟**

صددرصد. در جریان جنگ عراق، صدام کاخ قصر شیرین و سایت تاریخی قصر شیرین را بمباران کرد. یک مستند وجود ندارد از آن اتفاق که ما ببینیم چه اتفاقی افتاده است، چه آسیبی وارد شده. الان تقریباً یک ویرانه از آن بنا باقی مانده است. امروز برای آینده‌است. اگر امروز کاری نکنیم، فرقی چیزی نداریم. فراموش می‌شود. بهرام بیضایی یک جمله بسیار ماندگار دارد که می‌گوید: «ما با آنچه می‌سازیم ایرانی هستیم، نه با آنچه از دست می‌دهیم». اگر نسایم و بخاهیم فقط ارجاع بدهیم به گذشته که ما چه بودیم و چه کردیم و چه داشتیم، فقط از جیب می‌خوریم.

وقتی رفتار مدیرانی که در این حوزه مسئول و تصمیم‌گیرنده هستند کاملاً سیاسی و کاسبکارانه است چه کار می‌شود کرد؟

یکی از این مدیران به من می‌گفت: «شما می‌خواهید این فیلم را بسازید، بروید جایزه‌اش را بگیرید.» ببینید چه ذهنیتی دار من در تهران زیر بمباران ایستادم بدون ریالی بودجه دولتی برای اینکه برایم مهم بود که وقایع را ثبت کنم



گاهی بی‌اخلاقی‌هایی حاکم است

اگر مکان و لوکیشنی ورود ممنوع است

باید برای همه ورود ممنوع باشد

اما برای یک عده

نه‌تنها ممنوعیتی

وجود ندارد که حتی

فراتر از خط قرمزها

درها برایشان باز می‌شود

آن عده اتفاقاً آدم‌های

با تجربه‌ای هم نیستند

و از این فرصت‌ها

برای ساخت یک اثر

قابل قبول

استفاده نمی‌کنند

ردیف ۵۱- آقای یعقوب نیکوپور محمدجانلو

فرزند حمداله در ششدانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۹۷۲/۷۶ و ۱۱۶۵/۰۹ متر مربع پلاک ۶۱ و ۷۶ فرعی از ۱۶ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۶ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای حسن نیک پور

ردیف ۵۲- خانم زینت رضازاده نقدکندی فرزند جمال در ششدانگ یک باب خانه و باغ به مساحت ۶۵۸/۳۵ متر مربع پلاک ۴۵۳ فرعی از ۱۸ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۸ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای علی صلح.

ردیف ۵۳- آقای سید اله نوری تقی دیزج فرزند وهاب در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۴۴۱/۷۳ متر مربع پلاک ۸۳۹ فرعی از ۲۲ اصلی مفروز و مجزی شده ۲۲ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای سلمان طلائی.

ردیف ۵۴- خانم طی خانم سلیمی بیارم بدن فرزند محمد در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۳۹۶/۱ متر مربع پلاک ۶۰۰ فرعی از ۲۳ اصلی مفروز و مجزی شده ۲۳ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای محمد سلیمی بیارم بدن.

**تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه**

۱۴۰۵/۰۳/۳۰

**تاریخ انتشار نوبت دوم : یکشنبه**

۱۴۰۵/۰۴/۱۴

**فرصتعلی عابدی**

**رئیس ثبت اسناد واملاک منطقه دو**

**شهرستان اردبیل**

**شناسه آگهی: ۲۲۱۰۰۹ م الف: ۲۷**

مزروعی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع پلاک ۳۱۶ فرعی از ۳۹۶ اصلی مفروز و مجزی شده ۳۹۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای قلنج نجفی.

ردیف ۴۷- خانم نساء ترومیده فرزند محمد قلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۶۴/۱۷ متر مربع پلاک ۱۰۰۴ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده ۱ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای بابا اشکانی فرزند مراد.

ردیف ۴۸- آقای رضا و مهدی هر دو آسوده هر دو فرزند الحم بطور بالسویه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۳۵/۴۲ متر مربع پلاک ۱۰۰۶ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده ۱ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای علی حیدر پناهی جمادی .

ردیف ۴۹- آقای خدافلری رحمانی فرزند حسنقلی در ششدانگ سیزده قطعه زمین مزروعی به ترتیب به مساحت ۴۲۰۰/۶۹ و ۲۶۹۹/۸۴ و ۳۳۱۱/۱۰ و ۳۳۳۷/۰۵ و ۶۴۳۲/۴۹ و ۳۳۳۷/۰۴ و ۲۴۵۳/۴۱ و ۶۸۰۳/۸۴ و ۶۸۰۳/۲۶ و ۳۳۲۷/۸۴ و ۲۰۱۹/۶۸ و ۶۵۹۶/۳۹ و ۵۱۲/۵۴ متر مربع به ترتیب پلاک ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷

فرعی از ۵ اصلی مفروز و مجزی شده ۵ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای محمد رضا رحمانی جمباریان.

ردیف ۵۰- آقای محبوب عزیزز فرزند اصول الدین در ششدانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۱۶/۹۷ و ۱۵۹۹/۹۶ مربع پلاک ۲۴۲ و ۲۴۳ فرعی از ۱۵ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۵ اصلی واقع در بخش یازده اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای محبوب عزیزز.

مفروز و مجزی شده ۱۲۷ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای غفور حسن زاده.

ردیف ۴۱- آقای علی اکبر احمدی سلطان آباد فرزند فیروز در ششدانگ یک باب کارگاه به مساحت ۱۵۴/۷۵متر مربع پلاک ۷۰۳۵ فرعی از ۱۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۲۷ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای معصومه حسن زاده فرزند رحیم.

ردیف ۴۲- آقای اکبر علیزاده مهدی پستی فرزند توکل در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۰۱/۲۰ متر مربع پلاک ۷۰۳۶ فرعی از ۱۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۲۷ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای اسداله احمدی.

ردیف ۴۴- خانم لیل علمی قلعه جوق فرزند رحیم در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۲۹۵/۶۰ متر مربع پلاک ۱۰۰۶ فرعی از ۳۳۴ اصلی مفروز و مجزی شده ۳۳۴ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای رحیم آقا علمی.

ردیف ۴۵- آقای قاسم کتکعی فرزند الوان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۰۴/۲۲ متر مربع پلاک ۴۲۵ فرعی از ۳۵۱ اصلی مفروز و مجزی شده ۳۵۱ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای احمد حمیدی.

ردیف ۴۶- خانم گلدسته نجفی خواجه بلاغ فرزند قلنج در ششدانگ یک قطعه زمین

شعبان زنجبیر نوجه ده فرزند حاجی آقا و عباداله زنجبیر نوجه ده فرزند حاجی و حسین زنجبیر

نوجه ده فرزند حاجی آقا و ارسلان احدی هادی بکلو فرزند بالا کشی و کریم احدی هادی بکلو فرزند بالاکشی و خانم آقا برداری جهانخانلو فرزند علی و ملاحت یقینی جهانخانلو فرزند نوراله و فهیمه یقینی جهانخانلو فرزند نوراله و تاجی یقینی جهانخانلو فرزند نوراله و بهنام یقینی جهانخانلو فرزند نوراله و بهمن یقینی جهانخانلو فرزند نوراله و الهام یقینی جهانخانلو فرزند نوراله میزان سهم مالکین مشاعی بدین شرح میباشد: خانعلی امیرنژاد در یک پانزدهم ششدانگ و جهانبخش عبادی کوهساره در سه پانزدهم ششدانگ و نورعلی امیرنژاد در دو پانزدهم ششدانگ و کریم احدی هادی بکلو در دو پانزدهم ششدانگ و ارسلان احدی هادی بکلو در یک پانزدهم ششدانگ و شهبان و حسین هر دو زنجبیر نوجه ده هرکدام در نیم پانزدهم ششدانگ (معادل یک سیم ششدانگ) و عباداله زنجبیر نوجه ده در دو پانزدهم ششدانگ و وراث نوراله یقینی جمعا سه پانزدهم ششدانگ(شرح:خانم آقا برداری بهای ثمنیه اعیان و عرصه سه پانزدهم ششدانگ-ملاحت و فهیمه و تاجی و الهام کلهم یقینی هرکدام مقدار یک هشتم از سه پانزدهم ششدانگ معادل شش یکصد و بیستم ششدانگ به استثناء بهای ثمنیه اعیان و عرصه از ششدانگ یک واحد کارگاه و محوطه به مساحت ۲۶۸۶/۷۸ متر مربع به ترتیب پلاک ۷۰۳۳ فرعی از ۱۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۲۷/۴۸۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی خود متقاضیان.

ردیف ۴۰- آقای بهرنگ گل محمدپور فرزند جلیل در ششدانگ یکباب کارگاه به مساحت ۱۶۰/۵ متر مربع پلاک ۷۰۳۴ فرعی از ۱۲۷ اصلی

سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای طالب اصلانیان.

ردیف ۳۴- آقای جعفر مخملی کلخوران فرزند اللهویردی در ششدانگ یک باب انباری و محوطه به مساحت ۱۰۲/۸۵ متر مربع پلاک ۹۰۵۵ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۱۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای میرجبار سید یوسفی.

ردیف ۳۵- آقای محمد عظیمی کلخورانی فرزند رستم در ششدانگ یک باب انباری به مساحت ۲۰۷/۹متر مربع پلاک ۹۰۵۶ فرعی از ۱۱۹ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۱۹ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای علی بیگ فرزانه انزابلی.

ردیف ۳۷- خانم فریده درقند فرزند جهانگیر در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۰۵/۹۵ متر مربع پلاک ۲۴۲۳ فرعی از ۱۲۶ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۲۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای سید محمد هدی.
ردیف ۳۸- آقای رسولعلی لطف اللهی آقچه کندی فرزند لطف اله در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۶۸/۲۳ متر مربع پلاک ۲۴۴۴ فرعی از ۱۲۶ اصلی مفروز و مجزی شده ۱۲۶ اصلی واقع در بخش سه اردبیل خریداری از مالک رسمی آقای سید محمد هدی.
ردیف ۳۹- آقای آقای خانعلی امیرنژاد فرزند آقاویردی و جهانبخش عبادی کوهساره فرزند معرفت اله و نور علی امیر نژاد فرزند آقاویردی و

## قانون بی‌ضمانت

ای پیام ما! ایران در مبارزه با فساد، بیش از آنکه با خلأ قانون روبه‌رو باشد، با خلأ اجرای قانون مواجه است. در سال‌های گذشته، ده‌ها قانون، آیین‌نامه و مقرره با هدف ارتقای سلامت اداری، مقابله با فساد، منع اعمال نفوذ، مبارزه با پول‌شویی، شفاف‌سازی فرایندها و تقویت نظارت تصویب شده است. از منظر حقوقی، دست‌کم روی کاغذ، چارچوب نسبتاً گسترده‌ای برای کنترل فساد وجود دارد. با این حال، گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره «شاخص‌های ملی سنجش فساد و سلامت اداری» نشان می‌دهد مسئله اصلی نه در کمبود قانون، بلکه در فاصله میان تصویب قانون و اجرای مؤثر آن نهفته است.

این گزارش بر پایه نظر یک پنل مجده‌نفره از خبرگان حوزه خدمت‌مشی‌گذاری و نظارت تهیه شده و حدود هشتاد شاخص سنجش فساد و سلامت اداری را بر اساس دو معیار «اهمیت راهبردی» و «قابلیت اجرا» ارزیابی کرده است. حاصل این ارزیابی، ترسیم نقشه‌ای چهاربخشی از وضعیت شاخص‌هاست؛ نقشه‌ای که نشان می‌دهد کدام شاخص‌ها هم برای سیاست‌گذاری ضدفساد حیاتی‌اند و هم در شرایط فعلی قابلیت اجرا دارند و کدام شاخص‌ها، با وجود اهمیت بالا، در مرحله اجرا و سنجش با مانع روبه‌رو می‌شوند.

مهم‌ترین پیام این گزارش از همین نقطه آغاز می‌شود. شاخص «اثربخشی اجرای قوانین و مقررات» با وجود اهمیت راهبردی بالا، در ناحیه چالش‌برانگیز قرار گرفته است، نه در ناحیه شاخص‌های طلایی. این یعنی مسئله‌ای که باید ستون اصلی مبارزه با فساد باشد، خود به یکی از نقاط ضعف ساختار اداری تبدیل شده است. به بیان ساده‌تر، نظام اداری ایران قانون کم ندارد، اما در تبدیل قانون به رفتار نهادی، روبه اجرایی و ضمانت عملی، با ضعف جدی روبه‌روست.

از این منظر، گزارش مرکز پژوهش‌ها یک پیام صریح دارد: مبارزه با فساد از مسیر انبیاست قانون عبور نمی‌کند. قانون زمانی معنا پیدا می‌کند که به اجرا، نظارت، سنجش و پاسخ‌گویی متصل شود. اگر شفافیت قراردادهای رو کاغذ باقی بماند، اگر حمایت از افشاکران فساد ضمانت عملی نداشته باشد، اگر نهادهای ناظر استقلال کافی نداشته باشند و اگر پیکر پرونده‌های فساد به نتیجه قابل سنجش نرسد، قانون نه ابزار اصلاح، بلکه بخشی از ویترین اداری خواهد بود.

در نهایت، گزارش «شاخص‌های ملی سنجش فساد و سلامت اداری» بار دیگر یک واقعیت قدیمی را یادآوری می‌کند: ایران بیش از قانون جدید، به اجرای قانون موجود نیاز دارد. مسئله اصلی، کمبود متن قانونی نیست؛ کمبود اراده نهادی، سازوکار اجرایی، شفافیت قابل سنجش و ضمانت پاسخ‌گویی است.

## آگهی مفقودی

جواز سلاح شکاری ساچمه زنی دولول کنار هم مدل کوسه کالیبر ۱۲ ساخت کشور ترکیه به شماره بدنه سلاح ۲۹۱۳۶ متعلق به مراد عسکری فرزند عوض به شماره ملی ۰۷۱۲۲۷۳۳۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

جیرفت

### آگهی مفقودی

فاکتور هولوگرامی خرید خودرو وانت وانت پیکان 1600ی مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور: ۰۹۷۵۵۹۷۵۵۱۱۸۸۰۸ به شماره شاسی: NAA36A2A6989579 به شماره پلاک ۳۱ ن ۱۷۱ ایا ۶۵ به نام صابره در گوش مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است

منوانج

### آگهی تغییرات شرکت

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود تجهیز طب فیض به شناسه ملی ۱۴۰۱۳۱۹۳۳۳۴۷ و به شماره ثبت ۶۲۸۶۲۹ به استناد صورتحلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ و بهداشتی - اخذ و اعطای نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی - واردات و صادرات و توزیع و بخش کالاهای مجاز نساجی از قبیل پارچه، ملحفه و لباس طبق قوانین - ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در مراکز دولتی و خصوصی، اخذ وام و تسهیلات ربالی و ارزی از کلیه بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط

شناسه آگهی: ۲۲۰۹۹۱۸

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران**

#### چارسوق



۱۳۸۵

**مروری بر جایگاه محیط‌زیست در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه در ایران**

# قانون داریم، اجرا نداریم

**برنامه توسعه جاری رسماً نخستین برنامه‌ای است که اصطلاح تغییر اقلیم را به‌طور جدی وارد**

**ادبیات برنامه‌ریزی کرده‌و در شاخص‌هایی مانند ظرفیت یادگیری و واکنش خودسازگارانه**

**امتیاز مثبت کسب کرده‌است**

تاریخ برنامه‌ریزی توسعه در ایران به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. پیش از انقلاب، پنج برنامه توسعه وجود داشت که «برنامه‌های عمرانی» نامیده می‌شدند. در برنامه‌های اول و دوم، عمدتاً به زیرساخت‌ها پرداخته شد و این برنامه‌ها کارآمدی قابل‌توجهی نداشتند. اما برنامه‌های سوم تا پنجم، از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷، با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی، زمینه‌ساز رشد اقتصادی چشمگیر بیش از ۱۱ درصد، شدند؛ هرچند همین مسئله خود عاملی برای دامن‌زدن به وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی و بروز نابرابری‌های اجتماعی بود.

نابرابری، طراحی شد و تا سال ۱۴۰۴ تمدید شد؛ هرچند در اجرا با چالش‌های فراوانی مواجه بود. برنامه هفتم توسعه، برنامه جاری کشور است که از سال ۱۴۰۳ اجرایی شده است.

توجه به محیط‌زیست در برنامه‌های توسعه، ضرورتی حیاتی، اقتصادی واجتماعی برای تضمین ادامه توسعه و بقای جامعه است؛ مقوله‌ای بسیار قابل‌توجه که به دلیل اهمیت در تولید، اشتغال، حمایت از اقتصاد و نقش بارز در امنیت انسانی و سلامت جامعه ضرورت می‌یابد. از آنجاکه تخریب محیط‌زیست و بهره‌برداری آسیب‌رسان از آن خسارات جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت، توجه به محیط‌زیست در برنامه‌های توسعه، با رویکرد توسعه پایدار، به امری حیاتی بدل می‌شود. برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب اسلامی ایران عمدتاً فصل مستقلی به محیط‌زیست اختصاص ن داده بودند. جایگاه محیط‌زیست محدود به مباحث کلی حفاظت از جنگل‌ها و مراتع در ذیل کشاورزی و آبیاری بود. برنامه اول توسط مستشاران آمریکایی نوشته شده بود و اولویت آن به زیرساخت‌های ارتباطی و صنعت اختصاص داشت و بودجه مشخصی برای حفاظت از محیط‌زیست در نظر گرفته نشده بود. چه‌بسا تخریب اولیه جنگل‌ها و مراتع بدون برنامه حفاظتی منسجم در این دوره صورت گرفت و این برنامه رویکرد آینده‌نگرانه نداشت.

در برنامه دوم نیز محیط‌زیست همچنان هویتی مستقل نداشت و در ذیل بخش کشاورزی و سدسازی مطرح شده بود. با وجود اینکه سهم نفت در درآمد دولت از ۱۳ درصد به ۶۱ درصد رسیده بود و این مسئله خود نمایانگر وابستگی شدید اقتصاد به نفت بود، هزینه‌های سدهای بزرگ بسیار فراتر از برآورد اولیه رفت. چه‌بسا توسعه سدسازی بدون توجه به ارزیابی محیط‌زیستی و فشار بر سایر منابع آب، مانند سرشده‌های زیرزمینی، انجام شده بود.

برنامه پنجم در سال ۱۳۵۲، با جهش قیمت نفت، تورم و وابستگی به کشورهای خارجی را تشدید کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و در پی آن، جنگ تحمیلی، وقفه‌ای یازده‌ساله در تدوین برنامه‌ها ایجاد شد. سپس در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، برنامه اول توسعه با هدف بازسازی زیرساخت‌های ویران‌شده در جنگ تدوین شد. برنامه دوم، از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸، با شعار عدالت اجتماعی، بهره‌وری و کاهش وابستگی به نفت شکل گرفت، اما توفیق اندکی داشت و اهداف مدنظر آن در همه بخش‌ها محقق نشد.

برنامه سوم توسعه در پی اصلاحات ساختاری اقتصادی، خصوصی‌سازی و توسعه پایدار بود. برنامه چهارم بر عدالت و توسعه دانش‌بنیان تأکید داشت. برنامه پنجم با هدف اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، به‌منظور واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی تدوین شد.

برنامه ششم با هدف‌گذاری برای رشد اقتصادی سالانه ۸ درصد و دستیابی به ضریب جینی ۰،۳۴، به‌عنوان شاخص کاهش



اسپیده رحمن پورا

اپژوهشگر حوزه تغییر اقلیم |

بر مبنای ارزیابی‌های تخصصی می‌توان گفت برنامه اول فاقد کارشناسی دقیق بود و با ملی‌شدن نفت و کودتا رسماً متوقف شد. برنامه دوم در سال ۱۳۳۴ بر سدسازی و جاده‌سازی متمرکز بود و برنامه سوم، که به‌عبارتی نخستین برنامه جامع تلقی می‌شد، با اصلاحات ارضی همسو شد و بر رشد سریع صنعتی‌انجامید.

برنامه پنجم در سال ۱۳۵۲، با جهش قیمت نفت، تورم و وابستگی به کشورهای خارجی را تشدید کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و در پی آن، جنگ تحمیلی، وقفه‌ای یازده‌ساله در تدوین برنامه‌ها ایجاد شد. سپس در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، برنامه اول توسعه با هدف بازسازی زیرساخت‌های ویران‌شده در جنگ تدوین شد. برنامه دوم، از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸، با شعار عدالت اجتماعی، بهره‌وری و کاهش وابستگی به نفت شکل گرفت، اما توفیق اندکی داشت و اهداف مدنظر آن در همه بخش‌ها محقق نشد. برنامه سوم توسعه در پی اصلاحات ساختاری اقتصادی، خصوصی‌سازی و توسعه پایدار بود. برنامه چهارم بر عدالت و توسعه دانش‌بنیان تأکید داشت. برنامه پنجم با هدف اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، به‌منظور واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی تدوین شد. برنامه ششم با هدف‌گذاری برای رشد اقتصادی سالانه ۸ درصد و دستیابی به ضریب جینی ۰،۳۴، به‌عنوان شاخص کاهش

در برنامه سوم، با وجود اینکه همچنان فصل مستقلی برای محیط‌زیست در نظر گرفته نشده بود، برای نخستین‌بار وام‌هایی برای ساخت قنات و چاه عمیق اختصاص یافت. افزون بر این، قانون ملی‌شدن جنگل‌ها در سال ۱۳۴۱ و قانون شکار در سال ۱۳۳۵ تصویب شد و مرکز شکاربانی نیز تأسیس شد.

برنامه سوم پیش از انقلاب مشخص نمی‌کرد چه میزان از اعتبارات صرف حفاظت شده است. افزون بر این، اصلاحات ارضی سبب مهاجرت روستاییان به شهرها و حاشیه شهرها شد که پیامدهای منفی خود را بر برای محیط‌زیست و منابع طبیعی در پی داشت. به موازات این مسائل، حفر بی‌رویه چاه‌های عمیق در این دوران صورت گرفت که زمینه‌ساز بحران‌هایی مانند فرونشست زمین در دهه‌های بعد شد.

در برنامه چهارم، اقدامات جدی‌تری به‌منظور صیانت از منابع طبیعی صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به احیای جنگل‌های شمال کشور، مبارزه با فرسایش خاک، تولیدمثل آبیان و مبادرت به آموزش نیروهای انسانی متخصص اشاره کرد. البته همچنان تمایزی میان منابع طبیعی و محیط‌زیست وجود نداشت و با وجود برنامه‌ها و اقدامات مثبت این دوره، هم‌زمانی آن با رشد سریع صنعتی و رواج مصرف‌گرایی، بنیان آلودگی هوادر دهه‌های بعد را شکل داد.

برنامه پنجم، نقطه عطف اقدامات محیط‌زیستی پیش از انقلاب اسلامی ایران بود. در این برنامه، فصلی مستقل برای محیط‌زیست در نظر گرفته شد. این فصل شامل شش طرح

حفاظت محیط‌زیست، تأسیس واحد شکار، پارک‌های عمومی، پارک‌های طبیعی، پارک بین‌المللی اژرن، ذخیره‌گاه زیست‌کره اژرن در استان فارس، و مراکز آموزش محیط‌زیست بود. در این فصل، بر مبارزه با انواع آلودگی، اعم از آب، خاک، هوا و آلودگی صوتی تأکید شد و برنامه‌های پیشگیرانه‌ای تدوین شد. حتی تصویب شد که آلاینده‌گان، هزینه جلوگیری از آلودگی را بپردازند. هرچند جهش ناگهانی قیمت نفت و افزایش بودجه‌های نظامی سبب به حاشیه رفتن برنامه‌های محیط‌زیستی شد و سپس وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مانع اجرای کامل برنامه‌ها شد. از این‌رو، این برنامه عملاً فرصت اجرای مؤثر نیافت.

پیرامون جایگاه محیط‌زیست در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، بر مبنای داده‌ها و پژوهش‌های موجود، مانند «ارزیابی برنامه‌های توسعه کشور در حوزه محیط‌زیست و ارائه راهبردهایی برای برنامه هفتم»، در فصل‌نامه «مجلس و راهبرد» که در سال ۱۴۰۲ منتشر شده است، همچنین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به دولت سیزدهم و سایر موارد مشابه، می‌توان گفت توجه به محیط‌زیست در بالاترین سطح تصمیم‌گیری همواره فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است.

در برنامه دوم توسعه، محیط‌زیست به‌عنوان مقوله‌ای مستقل در کنار بخش‌های اجتماعی مطرح شد که نمایانگر آغاز توجه و رشد این رویکرد بود. در برنامه‌های سوم و چهارم، محیط‌زیست در ذیل مفهوم جامع‌تر آمایش سرزمین گنجانده شد. در برنامه پنجم، جایگاه محیط‌زیست تضعیف شد. با حذف صریح آمایش سرزمین از سیاست‌ها، صرفاً موضوع آب به‌عنوان موضوع ویژه مطرح شد؛ هرچند اشاراتی گذرا به اصطلاح تغییر اقلیم در این دوره بوده صورت گرفت. در برنامه ششم، محیط‌زیست مورد اغماض قرار گرفت و به‌طور مستقیم به آن اشاره‌ای نشد؛ هرچند در قانون

برنامه و متون مصوب مجلس در آن دوره، پیشرفت‌های قابل‌توجهی صورت گرفت.

برنامه هفتم توسعه، که به‌نوعی میثاق ملی هم نامیده می‌شود، نقشه‌راه پنج‌ساله‌ای از سال ۱۴۰۳ است که با هدف عبور از کود و کاهش وابستگی به نفت طراحی شده و جهشی بلندپروازانه را در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور تعریف کرده است. در این برنامه، در بحث محیط‌زیست، توجه ویژه‌ای به صیانت از منابع طبیعی، مدیریت بهینه آب، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و جلوگیری از سوزاندن گازهای شعله شده است.

بررسی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که اولویت‌بخشی به محیط‌زیست در بالاترین سطح راهبردی کشور، نه تنها روند صعودی نداشته، بلکه بعضاً دستخوش افول نیز شده است. شکاف عمیق بین سیاست‌های کلی و متون مصوب، یعنی قانون برنامه، یکی از عوامل مؤثر در عدم اجرا و ناکارآمدی آنهاست که عمدتاً نتیجه‌ای جز عدم اختصاص بودجه و فقدان اراده اجرایی ندارد. برای مثال، برنامه پنجم توسعه به لحاظ قوانین مصوب، از منظر حمایت از محیط‌زیست قابل‌تأمل است. زیرادری‌گیرنده مواد قانونی محکمی مانند ماده ۹۲ بود که ارزیابی آثار محیط‌زیستی را برای همه طرح‌های بزرگ اجباری می‌کرد، واحدهای صنعتی را موظف به خوداظهاری و نصب سامانه‌های پایش لحظه‌ای آلودگی می‌نمود و همچنین دولت را مکلف به محاسبه ارزش اقتصادی منابع زیست‌محیطی در حساب‌های ملی می‌دانست.

اما با وجود این قوانین مترقی، نبود ضمانت اجرای قوی، نبود نهاد ناظر قدرتمند و تقدم اقتصاد بر محیط‌زیست، مانع شکل‌گیری اقدامات ارزشمند در این عرصه شده و در بروز بحران‌های محیط‌زیستی کشور نقش داشته‌اند.

به‌حیوی که بر اساس آمارها و نتایج پژوهش‌ها، شاخص عملکرد محیط‌زیستی ایران در سال ۲۰۲۲ در میان ۱۸۰ کشور، ۱۳۲ بوده است و ایران در بخش سیاست‌های اقلیمی رتبه ۱۵۹ را داراست. این آمار حاصل سال‌ها غفلت از اجرای صحیح قوانین محیط‌زیستی است.

میرهن است که درباره جایگاه محیط‌زیست در برنامه‌های توسعه، همواره متن برنامه‌ها از عملکرد اجرایی جلوتر بوده است. در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، شاهد افول تدریجی جایگاه محیط‌زیست در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری هستیم. علت پایدار این فاصله میان متن و اجرا، عمدتاً نبود ضمانت اجرایی قوی برای قوانین محیط‌زیستی، محاسبه‌نشدن ارزش اقتصادی منابع طبیعی در حساب‌های ملی و ساختار متمرکز و بخشی تصمیم‌گیری است؛ ساختاری که از نگاه سیستمی به محیط‌زیست جلوگیری می‌کند.

البته نقطه عطف امیدوارکننده‌ای در برنامه جاری رقم خورده است: برنامه‌ای که رسماً نخستین برنامه‌ای است که اصطلاح تغییر اقلیم را به‌طور جدی وارد ادبیات برنامه‌ریزی کرده و در شاخص‌هایی مانند ظرفیت یادگیری و واکنش خودسازگارانه، امتیاز مثبت کسب کرده است. هرچند همچنان چالش منابع مالی وجود دارد. برنامه هفتم، به‌عنوان فرصتی تاریخی برای کاهش فاصله حرف تا عمل، بدون ضمانت اجرای مؤثر، بودجه اختصاصی و ارتقاء سیاسی فرابخشی، سرنوشتی بهتر از برنامه‌های قبلی نخواهد داشت.



۱۳۸۵

نوبت اول	<b>سازمان ثبت اسناد و املاک کشور</b> <b>اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی</b> <b>اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه</b>
	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۲۹۲/۰۶/۰۶/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید احمد نجفی فرزند سید ماشاءاله به شماره شناسنامه ۴۱۲۶۶ صادره از تربت حیدریه در شش‌دانگ یکپاک ساختمان به مساحت ۱۰۴/۳/۵ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲۱۴/۴۲۴ فرعی از پلاک شماره ۲۳۱ اصلی
<b>نوبت اول</b>	<b>سازمان ثبت اسناد و املاک کشور</b> <b>اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی</b> <b>اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه</b>
	هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۲۹۲/۰۶/۰۶/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید احمد نجفی فرزند سید ماشاءاله به شماره شناسنامه ۴۱۲۶۶ صادره از تربت حیدریه در شش‌دانگ یکپاک ساختمان به مساحت ۱۰۴/۳/۵ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲۱۴/۴۲۴ فرعی از پلاک شماره ۲۳۱ اصلی

فراخوان مناقصه عمومی					
شماره	عنوان	تضمین (ریال)	نوع	برآورد (ریال)	فهرست بها
۱۴۰۴/۳ج/۱۵۱	ایاب وذباز کارکنان اداره کل راه و شهرسازی جنوب کرمان	۵,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ضمانت نامه بانکی (مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد)- اصل فیش واریز وجه نقد	۱,۰۹۰,۹۹۹,۲۵۲,۰۵۶	بر اساس: خدمات درون شهری و بیرون شهری سال ۱۴۰۵
<p>مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت عمومی: ساعت ۱۹ روز ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۶.</p> <p>مهلت زمانی ارائه پیشنهاد عمومی یک مرحله ای: تا ساعت ۸ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۲.</p> <p>زمان بازگشایی پاکت های مناقصه یک مرحله ای: ساعت ۸:۱۵ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۲.</p> <p>اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف، آدرس: جیرفت- حدفاصل سیلو و پلیس راه، بلوار ورودی شهر صنعتک شماره ۲ تلفن: ۰۳۴-۴۳۳۱۵۱۶ و سایت www.jkerman.mrud.ir</p> <p>اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴ و دفتر ثبت نام ۰۸۹۶۹۷۲۷ و ۰۸۹۹۱۹۷۸</p>					

شناسه آگهی: ۲۲۱۰۲۳۱۱ | اداره کل راه و شهرسازی جنوب کرمان (۱۳۸۵)

نوبت اول	<b>سازمان ثبت اسناد و املاک کشور</b> <b>اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان</b> <b>اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت شهرستان جیرفت</b> <b>آگهی اراضی کشاورزی سال ۱۴۰۵ حوزه ثبتی جیرفت</b>
	تعدادی از اراضی کشاورزی واقع در محدوده روستای طوهران جیرفت که در کمیسیون قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مطرح و منجر به صدور رای هیات گردیده اند به شرح ذیل آگهی می‌گردند. فرعیات مجزا از پلاک ۱۲- اصلی قطعه دو واقع در اراضی طوهران جیرفت بخش ۴۵ کرمان
۱- پلاک ۶۲۰ فرعی آقای احمد مشایخی فرزند محمد شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۶۷/۱۱۷۶ مترمربع	
۲- پلاک ۶۳۹ فرعی خانم کنیز شمس الدینی لری فرزند رحیم شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰،۳۳/۷۹۴۵ مترمربع	

نوبت اول					
شرکت توزیع نیروی برق خراسان جنوبی					
آگهی مناقصه عمومی					
شرکت توزیع نیروی برق خراسان جنوبی در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه به شرح جدول ذیل از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. داوطلبان می توانند برای دریافت اسناد از تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ تا لغایت ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ به سایت <a href="http://www.setadiran.ir">http://www.setadiran.ir</a> مراجعه و اسناد را دریافت نمایند و قیمت پیشنهادی خود را مطابق شرح مندرج در اسناد مناقصه تنها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شرح ذیل بازرگاری نمایند. در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۷-۳۳۴-۵۵۰۰۳۴۰۰ اداره قراردادها تماس حاصل فرمایید . محل افتتاح پاکت: خراسان جنوبی - بیرجند - سایت اداری- شرکت توزیع نیروی برق خراسان جنوبی - جلسات مناقصه آگهی: ۲۲۱۰۲۳۱۱					
ردیف	شماره مناقصه	شرح	نوع اعتبار	مبلغ ونوع تضمین (ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی (ریال)	تاریخ و ساعت افتتاح پاکات مناقصه
۱	۴۰۵/د/۲۱۱	خرید ۱۵۰۰ مترکابل خود نگهدار فشار ضعیف ۴۰۵۰۰۲۵۰۲۵	داخلی	۳۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	یکشنبه ۱۴۰۵/۰۴/۱۵ ساعت ۸ صبح
۲	۴۰۵/د/۲۱۲	خرید ۵۰۰۰ مترکابل خود نگهدار فشار ضعیف ۴۰۷۰۰۲۵۰۲۵	داخلی	۱۶,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۱۴

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق خراسان جنوبی





## کتاب

### چگونه یک زبان را بکشیم؟

کتاب «چطور یک زبان را بکشیم» نگاهی انتقادی به روند از میان رفتن زبان‌ها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن دارد. نویسنده در آغاز کتاب به ایده رایج «زبان جهانی» می‌پردازد و این تصور را به چالش می‌کشد که وجود یک زبان مشترک می‌تواند مشکلات ارتباطی و اختلافات میان جوامع را برطرف کند. از نگاه او، گسترش زبان انگلیسی در جهان باعث شده است بسیاری آن را زبان طبیعی ارتباطات بین‌المللی بدانند، اما این موضوع نباید اهمیت و جایگاه سایر زبان‌ها را نادیده بگیرد.

نویسنده معتقد است تنوع زبانی بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث بشری است و زبان‌ها تنها ابزار گفت‌وگو نیستند، بلکه حامل دانش، فرهنگ، حافظه تاریخی و شیوه‌های متفاوت نگاه به جهان‌اند. به همین دلیل، نابودی هر زبان به معنای از دست رفتن بخشی از هویت جمعی انسان‌هاست.

کتاب با سفر به مناطق مختلفی از جهان، از جمله عمان، غنا و کردستان، وضعیت زبان‌های در معرض خطر را بررسی می‌کند. در این میان، مفهوم «زبان‌کشی» برای توصیف روند حذف تدریجی زبان‌ها به کار می‌رود؛ فرایندی که می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌های دولتی، فشارهای اقتصادی، نظام‌های آموزشی، اینترنت و سلطه فرهنگ جهانی رخ دهد.

بخش دیگری از کتاب به تجربه شخصی نویسنده و خاطرات او از مادرزگی اختصاص دارد؛ زنی چندزبانه که نقش مهمی در شکل‌گیری نگاه او به مسئله زبان داشته است. این روایت شخصی به جست‌وجوی نویسنده برای درک ریشه‌های هویت زبانی و باسازاری ارتباطش با زبان نیاکانش پیوند می‌خورد.

در کنار هشدار درباره خطر انقراض زبان‌ها، کتاب به نمونه‌های موفق احیای آنها نیز اشاره می‌کند؛ از برنامه‌های آموزشی ویژه کودکان گرفته تا پروژه‌های دیجیتال برای ثبت و مستندسازی زبان‌های بومی. نویسنده در نهایت تأکید می‌کند که حفاظت از تنوع زبانی ضرورتی فرهنگی و اجتماعی است و بقای زبان‌ها به حفظ حافظه، دانش و هویت جوامع انسانی کمک می‌کند. اینها

## اخبار

### سرنوشت پرچاشیه پخش فوتبال در سالن‌های سینما

# بازی مجوزها

پیام ما | پس از ماه‌هایی که جامعه ایران زیر سایه بحران‌ها، نااطمینانی‌ها و فشارهای متعدد سپری کرده، نیاز به فضاهای جمعی برای بازسازی روحیه عمومی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. اما در چنین شرایطی، پخش مسابقات جام جهانی در سالن‌های سینما، که می‌توانست به فرصتی برای احیای این شادی جمعی تبدیل شود و یادآور برنامه‌ریزی منسجم فرهنگی باشد، بیشتر نشان از سردرگمی مدیریتی و ناهماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر دارد. در حالی که خبر پخش بازی‌های تیم ملی در سینماها اعلام شده بود، مجوز پخش مسابقه ایران و نیوزیلند صادر نشد و سینماهای پایتخت از میزبانی این رویداد محروم ماندند. این شکست‌ها چند روز ادامه داشت تا سرانجام مجوز نمایش دیدار ایران و بلژیک صادر شد و فوتبال راه خود را به سالن‌های سینما باز کرد.

همزمان با آغاز رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶، دیدارهای تیم ملی در سینماهای سراسر کشور شورای صنفی نمایش از امکان پخش خبر داد و انتظار می‌رفت علاقه‌مندان فوتبال



مهرشوری ۱۸۶

## اطلاع رسانه‌ای

### افتتاح معراج شهدا و تجهیزات واکنش سریع در اصفهان گامی برای ارتقای مدیریت بحران

بهمن توکلی فرد - شهردار اصفهان در حاشیه افتتاحیه‌های آرمستان‌های اصفهان به خبرنگار ما از افزوده شدن ظرفیت‌های جدید مدیریت بحران به این کلاشور خبر داد و گفت: همزمان با بهره‌برداری از پروژه‌های جدید مدیریت بحران، مجموعه معراج‌الشهدا با هدف تکمیل سهدا و همچنین تجهیزات واکنش سریع، به شبکه خدمات شهری اصفهان پیوستند.

**سید ابراهیم حسینی، مدیرعامل سازمان آرمستان‌های شهرداری اصفهان، در آیین بهره‌برداری از پروژه‌های جدید این سازمان**

در نود و هشتمین برنامه به احترام مردم اصفهان گفت: مجموعه معراج‌الشهدا پس از سال‌ها به ظرفیت خدماتی شهر اصفهان افزوده شد و تمامی امکانات مورد نیاز از جمله سردخانه، اتاق تشریح، اتاق تغسیل و فضاهای استقرار دستگاه‌های مسئول در حوزه شهدا در این مجموعه پیش‌بینی شده است. وی افزود: این مجموعه با همکاری دستگاه‌های مختلف از جمله پزشکی قانونی، بنیاد شهید، نیروهای نظامی و انتظامی، ثبت‌احوال و سایر نهادهای مرتبط شکل گرفته و اکنون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های مدیریت بحران و خدمت‌رسانی در شرایط ویژه در اختیار شهروندان قرار دارد. حسینی گفت: حسینی به‌عنوان محل وایع خانواده‌های معظم شهدا با عزیزان خود طراحی شده و در کنار آن نیز تجهیزات و خودروهای تخصصی جدید برای افزایش توان واکنش سریع سازمان در شرایط بحرانی به نواگان خدماتی آرمستان‌ها افزوده شده است. وی در ادامه افزود: نخستین خودروی تخصصی سوارتغسیل اموات در شهر اصفهان طی روزهای امروز به بهره‌برداری رسید که از خودروی باهدف پاسخگویی سریع به شرایط بحرانی و حوادثی که امکان انتقال متوفیان به آرمستان وجود ندارد، طراحی و تجهیز شده است. او گفت: این محیط‌زیستی به اجرا خواهد رسید.

**راه‌اندازی نیروگاه برقی و ایجاد فضای وداع شهدا از مهم‌ترین دستاوردهای جدید آرمستان اصفهان است**

مهدی بقایی، معاون محیط‌زیست و خدمات شهری شهردار اصفهان هم در آیین بهره‌برداری از پروژه‌های جدید سازمان آرمستان‌های شهرداری اصفهان اظهار داشت: نخستین نیروگاه برقی در مجموعه آرمستان‌های شهر با همکاری یک شرکت دانش‌بنیان اجرا شده و می‌تواند به‌عنوان الگویی برای توسعه در سایر نقاط شهر مورد استفاده قرار گیرد. وی افزود: توسعه انرژی‌های پاک در آرمستان‌های اصفهان ادامه خواهد داشت و در کنار نیروگاه برقی، برنامه‌های جدیدی نیز تا پایان سال در حوزه تولید انرژی و ارتقای زیرساخت‌های محیط‌زیستی به اجرا خواهد رسید.

**معراج‌الشهدا و حسینی به اجراء خواهد رسید.**

**اخلاق‌مداری و تکمیل آرمستان است**

احمد شریعتی عضو هیئت‌رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان، نیز در این برنامه، با تأکید بر اینکه پروژه‌های بهره‌برداری‌شده در باغ رضوان فقط سازهای عمرانی نیست، گفت: معراج‌الشهدا و حسینی شهدا نماد احترام به کرامت انسانی، اخلاق‌مداری و کاهش چنجهای خانواده‌های داغدار است و باید به محلی برای تأمل، معنویت‌یادآوری معاد تبدیل شود. در این آیین، که فرماندار اصفهان و اعضای شورای شهر، نیروهای نظامی و انتظامی و جمعی از مدیران و اصحاب رسانه حضور داشتند سه خانواده شهید نیز تجلیل بعمل آمد.



عکس نوشت / عکس: عرفان سامان‌فر-ایرنا

همزمان با رقابت‌های جام جهانی، زمین‌های فوتبال در نقاط مختلف ایران شاهد تب جام جهانی هستند که میان علاقه‌مندان این ورزش جریان یافته است.

## اخبار

برای علاقه‌مندان فوتبال فراهم کنند. در تهران تنها باغ کتاب توانست میزبان هواداران فوتبال باشد و عملاً پایتخت از تجربه گسترده اکران فوتبالی محروم ماند. همین مسئله موجب شد بحث درباره دلایل پخش نشدن مسابقه در سینماهای تهران برای چند روز در رسانه‌ها ادامه پیدا کند. چند روز بعد اما شرایط تغییر کرد. «علیرضا سعیدی‌پور»، نماینده سینماداران در شورای صنفی نمایش، در گفت‌وگو با فیلمزنی از لغو مجوز پخش مسابقات خبر داده بود، اما در نهایت روز ۲۹ خردادماه رسانه‌ها اعلام کردند با انجام هماهنگی‌های جدید میان سازمان سینمایی و نهادهای مرتبط، امکان نمایش دیدار ایران و بلژیک در سینماها فراهم شد. این بار چندین سالن سینمایی در تهران و سایر شهرها برای فروش بلیت اقدام کردند. استقبال از این مسابقه نشان داد تقاضای قابل توجهی برای تماشای فوتبال در سالن‌های سینما وجود دارد. بیش از ۴۰ پردیس و سالن سینمایی در تهران بلیت‌فروشی را آغاز کردند و برخی از سالن‌ها پیش از روز مسابقه با تکمیل ظرفیت روبه‌رو شدند. در شهرهایی مانند مشهد و شیراز نیز استقبال مخاطبان ادامه یافت.

در شرایطی که به دلیل جنگ، سینماها رکود اقتصادی دوباره‌ای را تجربه می‌کنند، این تجربه برای سینماداران از جنبه اقتصادی اهمیت دارد. همزمان با کاهش تنوع فیلم‌های روی پرده و توقف اکران برخی آثار کمدی در آستانه ماه محرم، نمایش مسابقات فوتبال می‌تواند به جذب مخاطبان جدید و رونق نسبی گیشه کمک کند. آن‌طور که ایسنا نوشته، قیمت بلیت تماشای این مسابقه در سینماها، در استان‌ها

**«علیرضا سعیدی‌پور» نماینده سینماداران در شورای صنفی نمایش از لغو مجوز پخش مسابقات خبر داده بود، اما در نهایت روز ۲۹ خردادماه رسانه‌ها اعلام کردند با انجام هماهنگی‌های جدید میان سازمان سینمایی و نهادهای مرتبط امکان نمایش دیدار ایران و بلژیک در سینماها فراهم شد**

## اخبار

### ه‌آگاری برای بدرقه خرداد و استقبال از تیر

خردادماه در حالی به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود که همزمان با نزدیکی آغاز تیر کاری‌های تهران میزبان مجموعه‌ای متنوع از نمایشگاه‌های نقاشی، عکس، تصویرسازی و آثار گروهی هستند. علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی می‌توانند در روزهای پیش‌رو با سرزدن به ۱۰ گالری پایتخت، از نمایشگاه‌هایی متنوع بازدید کنند.

**حباب نقره**  
 نمایشگاه گروهی «حباب نقره» با گردآوری اشکان زهرایی تا جمعه (۵ تیرماه) در گالری «۲» (دهونک) واقع در ونک، خیابان سئول، پلاک ۴۰ برپاست.

این گالری شنبه‌ها و یکشنبه‌ها تعطیل است و سایر روزهای هفته می‌توان از ساعت ۱۱ تا ۱۹ از نمایشگاه آن بازدید کرد.

**تاج پوینت شماره ۵۵۰ خودنگاره**  
 نمایشگاه گروهی «تاج پوینت شماره ۵۵۰ خودنگاره» با گردآوری امین دوایی تا جمعه (۵ تیرماه) در گالری «آیت/کیوب» واقع در خیابان مود دانش (اقدسیه)، مجتمع آوایلت برپاست. این گالری شنبه‌ها تعطیل است و سایر روزهای هفته می‌توان از ساعت ۱۱ تا ۱۹ از نمایشگاه آن بازدید کرد.

**اتاق‌های روشن**  
 نمایشگاه گروهی عکس «اتاق‌های روشن» با گردآوری مریم تخت‌کشیان تا دوشنبه (۸ تیرماه) در گالری «آ» واقع در خیابان سنایی، خیابان شاهین (خدری)، پلاک ۱۸، طبقه اول برپاست. این گالری شنبه‌ها و یکشنبه‌ها تعطیل است و سایر روزهای هفته می‌توان از ساعت ۱۲ تا ۲۰ از نمایشگاه آن بازدید کرد.

**خارج از قاب**  
 نمایشگاه گروهی تصویرسازی «خارج از قاب» با گردآوری محبوبه بزدانی و پدram کارزونی تا یکشنبه (۷ تیرماه) در گالری «شیرین» واقع در خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه‌ی سیزدهم، پلاک ۵ برپاست.

این گالری دوشنبه‌ها تعطیل است و سایر روزهای هفته می‌توان از ساعت ۱۲ تا ۲۰ از نمایشگاه آن بازدید کرد.

**روشنایی‌های شهر در عصر جدید**  
 نمایشگاه انفرادی نقاشی «روشنایی‌های شهر در عصر جدید» تا سه‌شنبه (۲ تیرماه) در گالری «هما» واقع در خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، کوچه چهارم غربی، پلاک ۸، واحد یک برپاست.

این گالری روز تعطیل ندارد و هر روز می‌توان از ساعت ۱۱ تا ۱۹ از نمایشگاه آن بازدید کرد.

**نمایش گروهی**  
 نمایشگاه گروهی «نمایش گروهی» تا یکشنبه (۳۱ خردادماه) در گالری «اعتماد یک» واقع در میدان هفت تیر متحف جنوبی، بن‌بست شیروزی پلاک ۲۵ برپاست. این گالری دوشنبه‌ها تعطیل است و سایر روزهای هفته می‌توان از ساعت ۱۲ تا ۲۰ از نمایشگاه آن بازدید کرد. ادامه مطلب را در سایت پیام مابخوانید.

## آگهی مناقصه عمومی

شهرداری منطقه ۷ تبریز در نظر دارد باستاد مجوزهای مآخوذه، پروژه‌های عمرانی و ترافیکی مشروحه زیر را از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با شرایط ذیل به پیمان واگذار نماید. لذا از کلیه مناقضان واجد شرایط اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت بعمل می‌آید در مناقصه فوق‌الذکر شرکت نمایند لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت اسناد تا ارائه قیمت پیشنهاد شرکت‌کنندگان و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد. ضمناً شرکت‌کنندگانی که عضو سامانه نمی‌باشند جهت شرکت در مناقصه باید نسبت به انجام مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور دریافت کواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند

- ۱- عملیات اجرای سازه کلینیک در کوئ لاله - با برآورد اولیه پروژه به مبلغ ۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال - بر اساس فهرست بهاء ابنیه ۱۴۰۴ - دارای حداقل رتبه پایه پنج در رشته ابنیه - ساختمان میباش.
- ۲- انجام عملیات تخریب (ساخت‌وسازهایی غیرمجاز) در سطح نواحی ۱ و ۲ و ۳ - با برآورد اولیه پروژه به مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال - بر اساس فهرست بهاء ابنیه سال ۱۴۰۴ - دارای حداقل پایه پنج رشته ابنیه - ساختمان می‌باشد.
- ۳- تراش آسفالت و اجرای آسفالت اساسی با فینیشر حداقل پل تراکتورسازی تا ورودی شهید کسایی - با برآورد اولیه پروژه به مبلغ ۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال - بر اساس فهرست بهاء‌اره و باند سال ۱۴۰۴ - دارای حداقل رتبه پایه پنج در رشته راه‌وترازی می‌باشد.
- ۴- تراش آسفالت و اجرای آسفالت اساسی با فینیشر در باند کنردو حداقل بانک شهر تا پل تراکتورسازی - با برآورد اولیه پروژه به مبلغ ۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال - بر اساس فهرست بهاء‌اره و باند سال ۱۴۰۴ - دارای حداقل رتبه پایه پنج در رشته راه‌وترازی می‌باشد.

**الف) مبلغ سپرده شرکت در مناقصه:** پیشنهاددهنده قیمت، جهت شرکت در مناقصه بایستی پنج درصد (۵٪) مبلغ برآورد اولیه پروژه را بشرح مذکور بصورت نقدی (فیش بانکی) و یا ضمانتنامه معتبر بانکی به شماره حساب ۶۱۳۴۹۶۸۱۰۰۰ نزد شعبه بانک شهر بنام شهرداری منطقه ۷ تبریز واریز نمایند.

**ب) مهلت فروش اسناد مناقصه:**  
 زمان دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخه ۳/۳/۱۴۵۵ تا ساعت ۱۷:۰۰ روز پنجشنبه مورخه ۴/۳/۱۴۵۵ در بستر سامانه ستاد.

**پ) آخرین مهلت بازگذاری مدارک:** آخرین مهلت بازگذاری مدارک بصورت الکترونیکی در سامانه ستاد از ساعت ۱۷:۰۰ روز پنجشنبه مورخه ۴/۳/۱۴۵۵ تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخه ۴/۳/۱۴۵۵ و تکمیل اسناد مناقصه بصورت فیزیکی (در پاکت الف) تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخه ۴/۳/۱۴۵۵ به دبیرخانه شهرداری منطقه ۷ واقع در جاده تبریز، آذرشهر پل تراکتورسازی، ورودی شهرک اندیشه تحویل نمایند.

**ت) تاریخ بازگشایی پیشنهادات:** کمیسیون مناقصه راس ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخه ۴/۳/۱۴۵۵ در بستر سامانه ستاد و در محل اتاق جلسه شماره ۵، در زیر زمین ساختمان شهرداری مرکز واقع در